

۴ جنایت هولناک در پایتخت



مریضیه همایونی

روزنامه‌نگار

در سالی که گذشت، پرونده‌های جنایی زیادی روی میز تیم جنایی قرار گرفت که هر کدام از آنها حائز اهمیت بودند، اما شاید بتوان پرمخاطب‌ترین و پربازدیدترین اخبار را به خبرهایی اختصاص داد که در زیر به آنها اشاره شده است.

◀ اوایل فروردین

زمانی که خانواده مرد طلافروشی که ساکن کرمانشاه بود، راهی پایتخت شدند تاردی از او بگیرند، هرگز تصور نمی‌کردند که مرد طلافروش قربانی جنایتی هولناک شده باشد. با اعلام ناپدید شدن فرزند، تیمی از کارآگاهان پلیس وارد عمل شده و در بررسی‌های خود دریافتند فرزند آخرین بار با یکی از دوستانش به نام امیر که اختلاف مالی ۱۲ میلیاردی نیز باهم داشتند، قرار ملاقات داشته است. تیم جنایی به سراغ امیر رفت و با اینکه تنها مظنون پرونده متواری بود، تیم تحقیق خیلی زود موفق شد امیر را بازداشت کند.

امیر در تحقیقات مدعی شد: برای رهایی از بدهی، فرزند را کشتم. هنگامی که شاهرخ به محل قرار آمد، به او یک نوشیدنی مسموم دادیم، مرد طلافروش بیهوش شد و ما هم در خواب خفه‌اش کردیم، سپس جسد را در همان انباری میان یک کارتن یخچال قرار دادیم و با گاری آن را به یکی از خانه‌های نیمه‌کاره در چهارراه سیروس بردیم و زیر خروارها خاک دفن کردیم. پس از ارتکاب جنایت از زن و مرد جوانی که فامیل درجه یک ما هستند درخواست کردیم با ارسال پیام‌هایی به خانواده شاهرخ صحنه‌سازی کنند. با اعتراف متهمان، جسد قربانی جنایت در خانه ویرانه کشف شد و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

◀ شامگاه ۱۹ اردیبهشت

رسیدگی به این پرونده با گزارش مرگ مشکوک زنی جوان و دختر ۱۳ ساله‌اش آغاز شد. تحقیقات اولیه نشان می‌داد این مادر و دختر بر اثر خوردن کنسرو ماهی جان‌شان را از دست داده‌اند، اما بعد از مدتی پزشکی قانونی اعلام می‌کند که مرگ آنها بر اثر مسمومیت با سم سیانور بوده است. همین موضوع فرضیه وقوع قتلی هولناک و برنامه‌ریزی شده را برای کارآگاهان جنایی اداره دهم اداره آگاهی مطرح کرد. در ادامه تحقیقات تیم جنایی به دختر ۱۸ ساله خانواده و دوستش مشکوک شده و

پس از دستگیری، آنها به قتل با همدستی هم اعتراف کردند. دوست این دختر جوان در بازجویی‌ها گفت: «با دختر این خانواده همکلاسی و دوست صمیمی هستم و به خاطر درس خواندن و آزمون کنکور این اواخر زیاد به خانه‌شان می‌رفتم. در این میان با رویپزدازی‌هایی که داشتیم، با یکدیگر تصمیم گرفتیم اعضای خانواده‌اش را با سم به قتل برسانیم و سپس تمام اموال را تصاحب و در نهایت از ایران مهاجرت کنیم. ۹ بار برای قتل آنها نقشه کشیدیم تا در نهایت با کمک پسر جوانی سیانور تهیه کرده و نقشه‌مان را اجرا کردیم. هر دو دختر اتهام قتل داشتند، اما خیلی زود خانواده قربانیان با حضور در دادسرا از قصاص آنها گذشت کردند. پرونده دو دختر جوان بزودی در دادگاه کیفری از جنبه عمومی جرم مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

◀ بامداد شنبه ۱۹ آبان

منصوره قدیری، خبرنگار یکی دیگر از قربانیان امسال بود. زن جوان زمانی که به محل کارش نیامد، باعث نگرانی همکاران و خانواده‌اش شد. خانواده‌اش دوبار به مقابل خانه او رفتند و آخرین بار به همراه پلیس پای در خانه زن جوان گذاشتند و با جسد او در اتاق خواب مواجه شدند.



عامل جنایت که همسر او بود در تحقیقات اولیه به قتل همسرش اعتراف کرده و گفت: «به خاطر اختلافات عاطفی و مالی که با همسر در طی ۱۷ سال زندگی داشتم، نقشه قتل او را از قبل کشیدم. صبح روز حادثه زمانی که خودم را مشغول ورزش نشان می‌دادم، همسر از کنارم عبور کرد و ابتدا با دمبل چند ضربه به او زده و بعد هم با چاقو همسر را به قتل رساندم. در زمان حادثه پسر من نبود، اما تصمیم داشتم او را نیز به قتل برسانم و زمانی که به خانه آمد، به پسرم قرص خواب‌آور دادم تا بعد از کشتن او، خودم را نیز بکشم، اما دلم نیامد و نتوانستم نقشه قتل پسر را اجرا کنم.»

◀ ظهر سه‌شنبه ۲۲ آبان

راز این قتل‌ها با تماس وکیل پایه یک دادگستری، مبنی بر قتل همسر و پسرش آغاز شد. او در تماسی که با پلیس داشت، گفت: «همسر و پسر را به قتل رسانده‌ام و تصمیم به کشتن خودم دارم.» بعد از آن آدرس محل زندگی‌اش را داد و تماس قطع شد. به دنبال این تماس مأموران کلانتری ولنجک راهی محل شده و به محض ورود به خانه، با جسد زن و شوهر جوان در یکی از اتاق‌ها و جسد پسر ۱۲ ساله خانواده در اتاق خواب دیگر مواجه شدند.

بررسی‌ها نشان می‌داد پسر نوجوان در خواب با شلیک گلوله کشته شده بود. دختر ۱۹ ساله خانواده که تنها بازمانده بود و از ماجرای قتل‌ها قبل از وقوع‌شان باخبر بود، در تحقیقات گفت: «پدرم چند روزی می‌شد که تصمیم به خودکشی دسته‌جمعی گرفته بود. او با چند نفر از همکارانش در یک پروژه سرمایه‌گذاری کرده بود، اما یکی از همکارانش سر او کلاه گذاشته و پدرم ورشکست شده بود. حتی پولی که برای اجاره خانه به صاحب‌خانه داده بودیم به خاطر اینکه چند ماه نتوانسته بودیم اجاره بدهیم، تمام شده بود. همه اینها باعث شد تا پدرم تصمیم به خودکشی دسته‌جمعی بگیرد، اما من چون مخالف بودم، به خواست پدرم در اتاق ماندم و حتی گوشی تلفن همراهم را نیز از من گرفت. قرار بر این شد که هر صدایی آمد، از اتاق بیرون نیایم.

اجساد به دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی منتقل شد و پرونده این جنایت با خودکشی آقای وکیل که عامل قتل‌ها بود، بسته شد. ♦